

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقایسه کارکردهای اصولی رسائل و حلقات

نام ارائه کنندگان: حجت الاسلام و المسلمین
سید محمد صادق علم الهدی

مدرسه علمیه عالی نواب

فهرست مطالب

۸.....	بررسی کتاب حلقات.....
۹.....	سیر صحیح و منطقی.....
۱۰.....	نظم مباحث.....
۱۱.....	تمرکز بر بحث‌های اصولی.....
۱۲.....	پرداختن به مباحث کاربردی اصولی.....
۱۴.....	وجود آراء نوین.....
۱۷.....	ابتکارات شهید صدر.....
۲۰.....	بررسی کتاب رسائل.....
۲۱.....	مباحث کتاب رسائل.....
۲۲.....	آراء جدید شیخ.....
۲۲.....	منقح‌نبودن.....
۲۳.....	مجتهد پروری.....
۲۵.....	بررسی کتاب کفایه.....
۲۶.....	انسجام.....
۲۶.....	پیچیدگی عبارات.....
۲۷.....	اهمیت تاریخی و موقعیت استثنایی.....
۳۰.....	سؤالات.....

مقدمه

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین. بحث ما راجع به مقایسه سه کتاب درسی حوزوی است: ۱. حلقات شهید صدر؛ ۲. رسائل شیخ اعظم انصاری؛ ۳. کفایه الاصول آخوند خراسانی رحمه الله علیهم.

در روال درسی حوزه‌ها این سه کتاب جای خود را در سطوح عالی حوزوی باز کرده و خیلی از طلاب عزیز ما این کتاب‌ها را به عنوان کتاب درسی خود پیش رو دارند و این سؤال را از من خیلی می‌پرسند که از بین این سه کتاب، کدام یک را بهتر می‌شمارید و مناسب‌تر برای تحصیل می‌دانید؟

به عنوان کسی که سال‌ها این کتب را تدریس کرده و با این سه کتاب، بسیار مأنوس هست، نکاتی را تقدیم می‌کنم. ان شاء الله که مفید دوستان در انتخاب مسیر آتی‌شان باشد.

کتاب حلقه ثالثه یک ویژگی دارد که دو کتاب دیگر ندارد. ویژگی حلقه ثالثه در این است که این کتاب، به قصد آموزش از سوی کسی که آموزش را به نیکی می‌فهمد، نگاشته شده است. دو قید در کلام من مأخوذ است. این که به قصد نگارش نگاشته بشود آن هم توسط کسی که از فرایند آموزش، سر در می‌آورد.

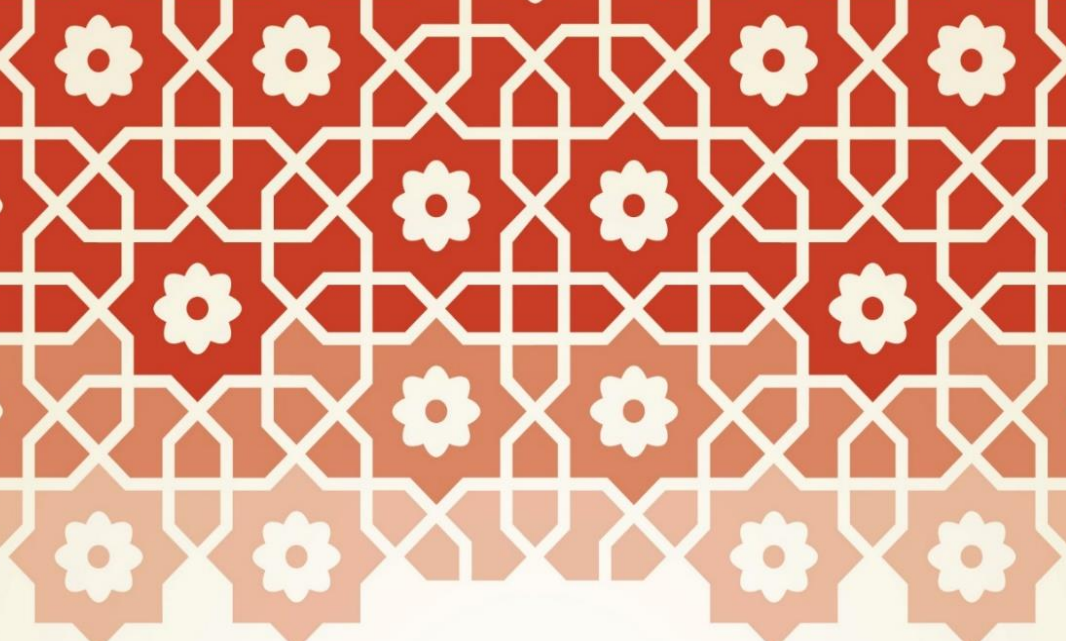
این ویژگی در هیچ یک از دو کتاب دیگر، یعنی کتاب رسائل و کتاب کفایه وجود ندارد. در کتاب اصول فقه مرحوم مظفر هم می‌شود مدعی این ویژگی شد،

چون آن کتاب هم از سوی مؤلف به قصد آموزش نگاشته شده و خود او، نیک به فرایند آموزش آشنا است.

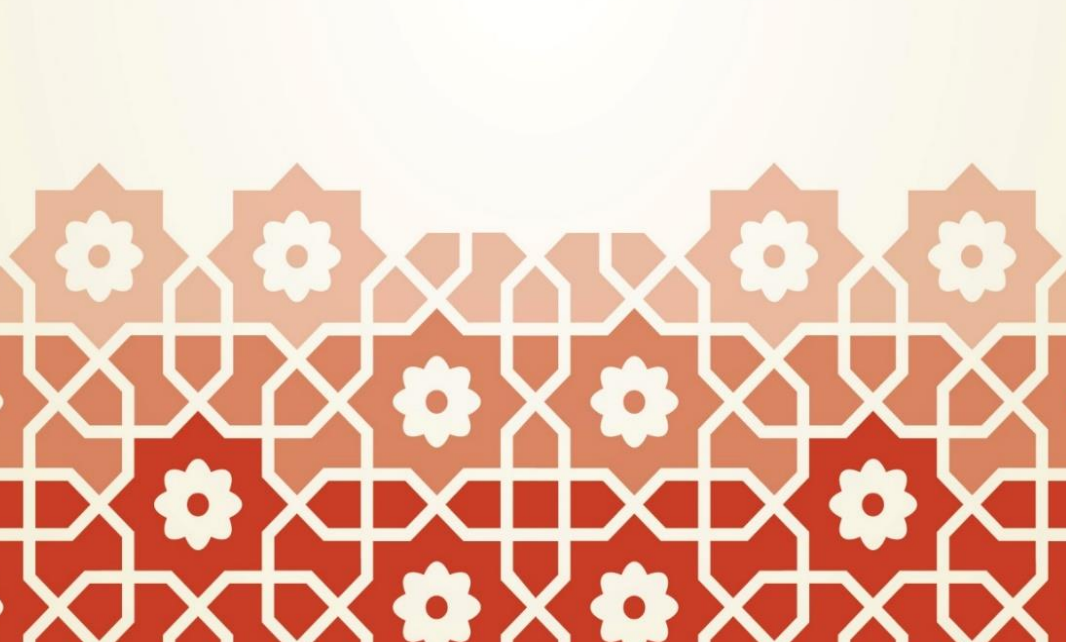
مرحوم شهید صدر اعلی الله مقامه الشریف، با رویکرد آموزشی سه حلقه تعبیه کرد و او بر پایه نبوغی که داشت، انصافاً خوب فهمید که مراحل تعلم علم اصول چگونه است. به همین جهت کتابی را به دست داد که شاخصه‌های برجسته‌ای را برای آموزش دارد. بسیاری از دوستان ما، بسیاری از عزیزان ما وقتی به ما مراجعه می‌کنند در مورد حلقات، مطلبی که به ایشان تأکید می‌کنیم این است که با کتابی مواجه هستید که بسیار، بسیار می‌تواند به حالتان نافع باشد در یافتن یک ذهنیت منسجم اصولی. ذهنیتی که از تشویش به دور است و اجزاء در آن هماهنگ است و به قول امروزی‌ها یک هارمونی خیلی چشمگیری در مباحث الحاق شده در حلقات، انسان می‌بیند. اجزاء با هم هماهنگ هستند.

آقای صدر به نیکی می‌دانسته است که شما در وهله نخست، چه مطلبی را باید بیاموزی و در مباحث آتی از آن‌ها بهره‌مند باشی. در کتاب‌های دیگر، استاد گاه با این مشکل مواجه است که باید مطالبی را القاء کند برای فهم عبارت که در مباحث آتی، تازه تعلیم داده خواهد شد و هنوز موعدهش نشده است. خیلی سیر منطقی طرح مباحث در کتاب‌های آموزشی، گاه اصلاً رعایت نشده است یا اساساً خیلی از بحث‌های مهم و پرکاربرد، لازم بود در ابتدای کتاب آموزشی مطرح بشود و تکلیفش مشخص بشود؛ ولیکن در بسیاری از کتب، این مباحث هیچ جا به شکل واضح و روشن طرح نشده است و همیشه متکی به بیان استاد بوده است و از این جهت، خیلی وقت‌ها این مباحثی که مبنای فهم خیلی از مباحث اصولی بوده است، برای طلاب عزیز ما مبهم مانده است، مجهول مانده

است؛ چون هیچ‌وقت نشده که یک بحث مبسوطی راجع به این نکتهٔ مبنایی جایی مطرح شود و پنبهٔ قضیه‌زده بشود که در مباحث آتی از ابهام به‌دور باشد. این که عرض کردم، مهم‌ترین ویژگی کتاب حلقات است که به‌توسط فردی آموزش فهم به‌قصد آموزش نگاشته شده است و از این جهت، سایر خصوصیات برجستهٔ حلقات را می‌شود در امتداد همین ویژگی مطرح نمود که اگر در کتاب حلقات شاهد هستید مزیت‌های متعددی را در قیاس با کتاب‌های دیگر، در واقع زائیدهٔ همین نیت و فهم نویسنده است.



بررسی کتاب حلقات



برای اینکه مطلب، به‌قدری بیشتر در جزئیات ورود کند، من چند خصوصیت از کتاب شهید صدر ذکر می‌کنم تا دوستان که ان‌شاءالله قرار است حلقات را آغاز کنند، بهتر بتوانند از این کتاب شناخت پیدا کنند و مسیر تعلیمی بهتری را دنبال کنند.

سیر صحیح و منطقی

نخستین مطلبی که خدمت اعزه باید عرض کنم، چینه مناسب مباحث در کتاب حلقات است. به بیان دیگر، مراعات سیر صحیح و منطقی بحث‌ها، نکته مهمی است که در تبویب و تدوین هر کتابی باید مدنظر قرار داد. مرحوم آیت‌الله صدر از این چینه برتر برخوردار است؛ چون در ابتدای کتاب دروس فی علم الاصول، در هر حلقه‌ای که آغاز کرده است، مباحث مهمی را پیرامون حکم دارد که اساساً حکم چیست و چه اقسامی دارد و چه احکامی بر احکام شرعی مترتب است. روابط میان حکمی را توضیح می‌دهد و نکاتی از این دست که بسیار مهم است در علم اصول و تعلم آن در قالب مباحث حکم‌شناسی در ابتدای حلقات تقدیم خواننده می‌شود.

شما در کفایه، یک چالش مهمی که دارید این است که مراتب حکم را درست و دقیق نمی‌شناسید و هیچ‌جا مرحوم آخوند به تفصیل از این مراتب سخن نگفته است؛ اما ایشان به هر مناسبتی به یکی از این مراتب گریز می‌زند. مثلاً می‌گوید امر اقتضایی و امر فعلی، چه فرقی است بین امر اقتضایی و امر فعلی؟ هر کدام ناظر به یک مرتبه از مراتب حکم است. مرتبه اقتضاء و مرتبه فعلیت یا به تعبیری مرحله ملاک و مرحله بعث و زجر.

خوب بود مرحوم آخوند، ابتدای کفایه مراتب حکم را برای ما عیان می‌کرد تا ما در امتداد مباحث دچار ابهام نمی‌شدیم. اما این دقت را مرحوم شهید صدر

10 ✨ خطا برای اعمال Heading 1, h1: عنوان نشست به متنی که می خواهید در اینجا ظاهر شود، از زبانه صفحه اصلی استفاده کنید.

دارد که مباحث حکم، اولاً در مقدمه کتاب آورده است و ثانیاً برجسته کرده است. قرار است علم اصول بیاموزید و علم اصول چه علمی است؟ علمی است که قواعدی به دست می‌دهد در مسیر استنباط احکام و اگر درست احکام را شناسید و مراتب حکم را در نیابید و روابط حاکم میان احکام را متوجه نشوید، طبیعی است که کار در مباحثی که در قالب علم اصول عرضه خواهد شد، مشکل می‌شود.

نظم مباحث

نکتهٔ دومی که در کتاب شهید صدر، اعلی‌الله‌مقامه الشریف، دیده می‌شود، نظمی است که ایشان بر مباحث حاکم کرده است. گاه مباحث در کتاب کفایه عمیق‌تر آمده است و کتاب رسائل، با پختگی افزون‌تری همراه است و از سطح شاید طلبه‌های هفت و هشت، طلبه‌های سطوح خارج باشد؛ لیکن مطالب دسته‌بندی نیست. به همین جهت، طلبهٔ مبتدی به تشویش می‌افتد. مرحوم آقای صدر، این مطالب را منظم و منسجم کرده است. این نظمی که در کتاب در طرح مباحث علمی دیده می‌شود، بسیار حائز اهمیت است که دو نمونه خدمت اعزه مثال می‌زنم.

یکی در بحث علم اجمالی و دیگری در بحث استصحاب. در بحث [علم] اجمالی آنجا که سخن از قاعدهٔ منجزیت علم اجمالی است، مرحوم شهید صدر چهار رکن را برای این قاعده بر می‌شمارد که در واقع چهار شرط اجرای قاعدهٔ منجزیت علم اجمالی است. به این معنا که هر کدام از این ارکان اگر منتفی شود، دیگر قاعدهٔ منجزیت علم اجمالی تطبیق نخواهد یافت.¹

این ارکان را شما در کتب دیگر هم می‌بینید اما مشوش، نامدون، در لابه‌لای حرف‌ها، گاه در لابه‌لای ان قلت و قلت‌ها. به این جهت که یک ذهنیت خیلی منظمی شکل می‌گیرد که ارکان قاعده منجزیت این است و بعد هر جا که این قاعده منتفی است، یعنی علم اجمالی، منجز تلقی نمی‌شود را قشنگ می‌توانید رصد کنید که به علت اختلال کدام یک از ارکان این قاعده است؛ رکن اول، رکن دوم، رکن سوم مشخص باشد.

عین همین قصه در مورد استصحاب هم تکرار شده است.¹ مرحوم شهید صدر وقتی بحث مهم استصحاب را ذکر می‌کند، جمله شروطی که استصحاب از ادله استصحاب می‌شود اصطیاد کرد را در قالب چهار رکن مطرح می‌کند. اینجاست که شما دقیقاً می‌فهمید که استصحاب، کجا مجال جریان پیدا می‌کند و کجاها استصحاب امکان جریان نخواهد داشت. این خصیصه‌ای است که در کتاب مرحوم آیت‌الله صدر می‌شود یافت.

تمرکز بر بحث‌های اصولی

خصوصیت سومی که می‌توان برای حلقه‌ٔ ثالث ذکر کرد و پاره‌ای از کتب را فاقد آن قلمداد کرد، این است که در این کتاب تمرکز بر بحث‌های اصولی بیشتر شده است. اولاً و ثانیاً، اولاً مباحث غیراصولی که به شکل استطرادی در کتب دیگر مطرح شده است، در کتاب اصولی رخت بر بسته‌اند. در حلقات نیستند. در کتاب رسائل مثلاً، پاره‌ای از قواعد فقهی هم به بحث نهاده شده است. مثل قاعده لاضرر یا مثل قاعده اصالة الصحة فی فعل المسلم یا حتی در برخی از موارد مباحثی پیرامون قواعد خرد فقهی و احکام خرد فقهی هم دیده می‌شود؛

🌸 12 خطا برای اعمال Heading 1, h1: عنوان نشست به متنی که می خواهید در اینجا ظاهر شود، از زبانه صفحه اصلی استفاده کنید.

اما همه این مباحث در کتاب حلقه ثالثه حذف شده است و بناء مؤلف این بود که فقط و فقط به قواعدی بپردازد که به شکل قاعده اصولی است، در تراز علم اصول است.

ثانیاً این که در خود مباحث اصولی گاه مؤلف به حاشیه می رفت. مباحثی را مطرح می کرد که ارتباط با غرض اصولی نداشت و این حواشی را شما در کتاب های مختلف می بینید، در موضوعات مختلف. مثلاً مرحوم آخوند خراسانی وقتی بحث از مفاد صیغه امر به میان می آورد، سری می زند به این که آیا طلب و اراده با هم متفاوت هستند یا یکی هستند. یک بحثی که اصلاً ربطی به علم اصول ندارد. در ذیل یک مبحث اصولی، ایشان ورود می کند به حوزه های بی ارتباط و اجنبی از علم اصول است.

روی این جهت، کتاب حلقات، کتاب در خور احترامی است که متمرکز بر بحث های اصولی شده است و هدف و غرض اصولی را در پیچ و خم مباحث، از یاد نبرده است.

پرداختن به مباحث کاربردی اصولی

خصوصیت چهارمی که می شود برای حلقه ثالثه به طور خاص و مجموعه حلقات به طور عام ذکر کرد، برمی گردد به اهتمام مؤلف به طرح مباحث کاربردی اصولی. پاره ای از مباحث، اصولی خوانده می شوند؛ اما در ساحت فقه، کاربرد درخور توجهی ندارند. هستند مباحثی که در تراز علم اصول محسوب می شوند و به نوعی در راستای غرض اصولی قابل تعریف هستند؛ اما در فقه، آن چنان این جور مباحث وجهه اهتمام فقیه نیست؛ چون کاربردی ندارد یا بس نادر است.

مرحوم آقای صدر، اعلی الله مقامه الشریف، این جور مباحث فاقد ثمره عملی یا واجد ثمره نادر عملی را در کتاب خود بالکل حذف کرده یا متناسب با حجم فائده ای که برایش قابل فرض است، طرح کرده است و از طرح تفصیلی خودداری کرده است. در کتاب حلقات سه مبحث وجود ندارد که البته جا داشت که مصنف لااقل در یکی از سه حلقه، این ها را متعرض می شد. این یک انتقادی است که ما به شهید صدر در حلقات داریم؛ اما ایشان به هر علتی سه مبحث را در کتاب حلقات، جا انداخته است: 1. مبحث حقیقت شرعیه که جایی در هیچ یک از سه حلقه شهید صدر ندارد؛ 2. مبحث صحیح و اعم که از مباحث پر بحث علم اصول است و این هم هیچ جایی در حلقات شهید صدر ندارد؛ 3. مبحث مشتق که این هم مبحثی است دامنه دار و جایش در حلقات شهید صدر خالی است. خوب بود مرحوم شهید صدر، تعرضی به این سه مسئله پیدا می کرد و این ها را در حد آشنایی طلاب مطرح می کرد؛ اما می شود گفت علت اینکه ایشان این سه مبحث را مطرح نکرده است، شاید این بوده که مبحث عملی قابل اعتنائی بر این سه مبحث مترتب نیست.

هم چنین مبحثی است تحت عنوان مقدمه واجب. این مبحث در کتاب کفایه به تفصیل مطرح شده است. شاید یک ترم درسی را در بر بگیرد، اگر بخواهد استاد این مبحث را با دقت تدریس کند و حال اینکه هیچ ثمره عملی شناخته شده قابل اعتنائی بر این مبحث مترتب نیست. مصطلحاتی را در این مبحث، دانش آموز و دانشجو می آموزد که بسیار پرکاربرد است هم در جاهای دیگر علم اصول و هم در علم فقه، تقسیماتی که برای مقدمه واجب ذکر می شود. مقدمه وجودی، مقدمه وجوبی، مقدمه علمی، تقسیماتی که مثلاً برای واجب ذکر می شود؛ واجب مطلق، واجب مشروط، واجب معلق، واجب منجز، این

🌸 14 خطا برای اعمال Heading 1, h1: عنوان نشست به متنی که می خواهید در اینجا ظاهر شود، از زبانه صفحه اصلی استفاده کنید.

اصطلاحات در خور ارزش است و انصافاً قابل اعتناست. به همین جهت ما توصیه می کنیم که طلاب عزیز، حتماً بحث مقدمه واجب¹ را بخوانند؛ چون اگر فایده عملی نداشت، فایده علمی قطعاً دارد؛ لیکن آنی که می خواهیم در این جلسه خدمت اعزه تأکید کنم، شکل و فرم طرح این مبحث در حلقه ثالثه به طور خاص و در سایر حلقات به طور عام است.

مبحث مقدمه واجب را شهید صدر مطرح کرده اند؛ اما با حذف زوائد و درخور فایده ای که برایش قابل فرض است؛ نه به تفصیلی که مثلاً مرحوم آخوند در کفایه زحمت طرحش را کشیده است. روی این جهت، ما در کتاب حلقات با یک اثری مواجه هستیم که بسیار، بسیار می تواند در فرایند تعلیم و تعلم درخور اهمیت باشد.

وجود آراء نوین

خصوصیت پنجمی که در کتاب حلقه ثالثه قابل ذکر است و می شود آن را مورد اشاره قرار داد، این است که مرحوم شهید صدر در مقطعی می زیست که آراء جدید اصولی مطرح شده بود و او به نیکی این آراء را آموخته بود. علاوه بر آراء، مصطلحاتی در علم اصول جاافتاده بود که پیش از آن، این مصطلحات به شکل مضطرب، مورد استعمال بود. معنای روشن و شفاف و واضحی نداشت. مثالی بخواهم عرض کنم در بعد آراء، مرحوم شهید صدر نه فقط شیخ اعظم در رسائل، نه فقط آخوند در کفایه، نه فقط محققین ثلاثی که بعد از این دو بزرگوار در نجف ظهور کرده اند، محقق نائینی و محقق عراقی و محقق اصفهانی، بلکه حتی مثلاً آیت الله خویی که اصولی معاصر ما محسوب می شود را درک کرده بود

1. خراسانی، ملامحمد کاظم، کفایه الاصول، طبع آل البیت، ص 89.

و حتی راه یافته بود به بخشی از آراء اصولیان غیر نجف مثل مرحوم آیت‌الله محقق داماد و حتی او بحث‌هایی داشت با اصولیان متأخرتر که معاصر ما محسوب می‌شدند؛ مثل مرحوم آیت‌الله سید محمد روحانی، به همین جهت او گنجینه‌ای از آراء جدید اصولی بود و این گنجینه در اثر فاخر او، کاملاً منعکس است.

در کتاب حلقات، شما آراء نوینی از علم اصول می‌بینید و یکی از مشکلات جدی که وجود دارد، یکی از مشکلات جدی و اساسی که وجود دارد این است که طلاب عزیز ما که حلقهٔ ثالثه نخوانند، گاه پای درس خارجی حاضر می‌شوند که مشتمل بر آراء جدیدتر اصولی است و امکان ارتباط با این آراء را به راحتی پیدا نمی‌کنند؛ چون سابقه‌ای از این‌ها ندارند.

این خلأ را مرحوم شهید صدر، در حلقات به نیکی پر کرده است. این در بخش آراء، اما در بخش مصطلحات. مرحوم شهید صدر، مصطلحات اصولی را تثبیت کرده و سعی کرده است از آن اضطراب و تشویشی که این مصطلحات در کتب دیگر دارد، پرهیز کند. البته این اتفاق تا حدی در کلمات متأخران و معاصران شهید صدر اتفاق افتاده بوده و شهید صدر تا حدی از میراث معاصر خود بهره‌مند است؛ لیکن در کتاب رسائل و کفایه، شاهد این جور نظم در استعمال مصطلحات نیستیم.

تفکیک میان موضوع و متعلق

ما وقتی خدمت اعزه رسائل یا کفایه تدریس می‌کردیم، این تذکر را به‌عنوان مثال می‌دادیم که هر جا صحبت از متعلق یا موضوع آمد، بدانید که این دو می‌توانند به معنای هم به کار رفته باشند و از این جهت، در هر موضعی باید دقیقاً ببینید که مراد از موضوع و متعلقی که مصنف به کار برده است چیست.

🌸 16 خطا برای اعمال Heading 1, h1: عنوان نشست به متنی که می خواهید در اینجا ظاهر شود، از زبانه صفحه اصلی استفاده کنید.

کتاب حلقهٔ ثالثه میان موضوع و متعلق کاملاً تفکیک نهاده است. موضوع حکم، آن چیزی است که حکم بر آن متوقف است و بدون آن، اساساً حکم به مرحلهٔ فعلیت راه نخواهد یافت؛ درحالی که متعلق عبارت است از فعلی که حکم به آن تعلق یافته است.

فرقی که در کتاب شهید صدر کاملاً عیان است همین است که فعلیت، مرحلهٔ میانه تحقق موضوع و تحقق متعلق است. به این معنا که در وهلهٔ نخست باید موضوع حکم محقق شود. در وهلهٔ ثانی به تبع تحقق موضوع، حکم فعلی خواهد شد و در وهلهٔ ثالث، متعلق حکم است که باید پدیدار شود و به وجود آید. استطاعت موضوع حکم است؛ چون فعلیت حکم یعنی وجوب حج در گرو آن است. حج متعلق حکم است. ابتدا فرد مستطیع می شود و استطاعت در حق او محقق می شود و سپس وجوب حج نسبت به او فعلی می شود و دست آخر، حج کسوت تحقق را به تن می پوشاند. این سیر کاملاً فرق بین موضوع و متعلق را نشان می دهد. آقای صدر خیلی منظم این دو را به کار برده است؛ اما در کتب دیگر شما شاهد تشویش هستید.

یا مثلاً اصطلاح واجب گیری، در کتاب آقای صدر، هر گاه برای واجبی که از آن تعریف می کنند بما وجب لا لاجله بل لاجل غیره، عنوان واجب گیری به کار رفته است؛ اما در سایر کتب گاه عناوین مشابه به کار رفته است. مثلاً واجب مقدمی به جای واجب گیری، این وحدت رویه در به کار بردن اصطلاحات، در فرایند آموزش مهم است و این را مرحوم شهید صدر، اعلی الله مقامه الشریف، رعایت کردند.

ابتکارات شهید صدر

نکته آخری که باید در این مجال تقدیم اعزه کنم که بر حسب شمارشی که من کردم، نکته ششم می‌شود، این است که مرحوم شهید صدر، یک عالم اصولی معمولی نیست؛ یک نابغه اصولی است. البته او در علوم مختلفی گام برداشته است و تألیفات مختلف و تدریسات متعدد در حوزه‌های مختلف علمی داشته است؛ لیکن بیشترین مجالی که نبوغ شهید صدر را انعکاس داده است، علم اصول است. او دارای ابتکارات و نوآوری‌های عدیده‌ای در علم اصول است که یک‌وقتی در یک همایشی برای شهر مشهد، در یکی از حوزه‌های علمیه، خدمت اعزه بودیم در تبیین نوآوری‌های اصولی شهید صدر، اعلی‌الله مقامه الشریف، که حائز اهمیت است.

این ابتکارات که می‌شود خیلی سریع به بعضی‌شان اشاره کنم، مثل حق الطاعه که در رد نظریه مشهور قبح عقاب بلا بیان است، مثل نظریه تعویض، نظریه قرن اکید، مثل آنچه که ایشان در باب دلیلیت سیره عقلاً و سیره متشرعه مطرح کرده است، یا نکاتی که در باب طرق اثبات معاصرت یک سیره با عصر معصوم بیان داشته است، یا نکات عمیقی که ایشان در مباحث ترتب دارد، در مباحث تراحم دارد، در مباحث علم اجمالی دارد، باعث شده است که ما با یک مجموعه ارزنده بی‌بدیل تحت عنوان افکار شهید صدر مواجه بشویم که انعکاس معظم این‌ها را در حلقات شاهد هستیم و البته پاره‌ای از ابتکارات ایشان، از این جهت که شاید خارج از سطح طلاب سطوح حوزوی باشد، در حلقات انعکاس نیافته و در مباحث خارج ایشان آمده است.

18 ✨ خطا برای اعمال Heading 1, h1: عنوان نشست به متنی که می خواهید در اینجا ظاهر شود، از زبانه صفحه اصلی استفاده کنید.

به این جهت کتاب حلقات بستری فراهم می‌کند برای بهره‌مندی از نوآوری‌های شهید صدر، اعلی‌الله‌مقامه الشریف، که در کتاب‌های دیگر چنین فضا و مجالی فراهم نیست.

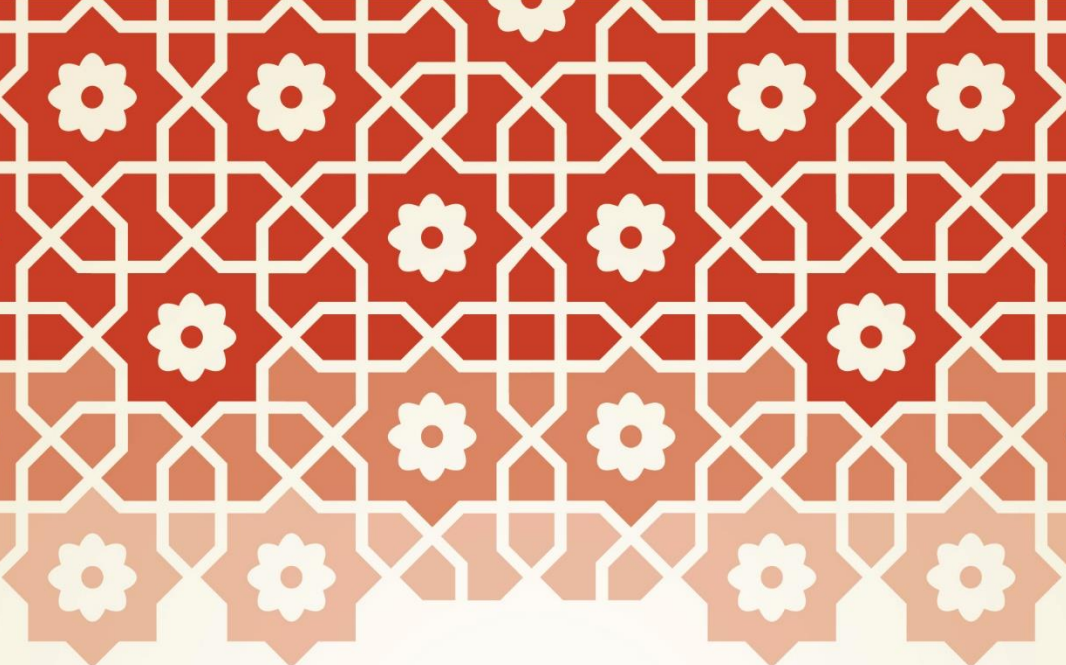
شاگرد برجسته ایشان، آیت‌الله سید کاظم حائری رحمه‌الله علیه راجع به شهید صدر و ابتکارات او، سه رویکرد مهم ذکر می‌کند. تأسیس، تغییر و تعدیل. معتقد است که مرحوم آقای صدر، رحمه‌الله علیه، در سه ساحت تأسیس و تغییر و تعدیل نوآور و پیشرو است. تفصیل این سه عرصه از حوصله بحث ما با این وقت ضیقی که داریم، خارج است. آدرسی خدمت اعزه می‌دهم، نگاه بکنند در مباحث الاصول که تقریر اباحت اصولی شهید صدر است، جلد یک، صفحه 58 و 59.

بیان نو

لیکن بد نیست که اشاره‌ای به بعد دیگری از ابتکارات شهید صدر بکنم که عبارت باشد از بعد بیانی. ایشان مباحث کهن اصولی را در قالب بیان نوینی گفته است. شکل و فرم جدیدی را در تنقیح مباحث اصولی به کار گرفته است که از این جهت بحث حائز اهمیت است. این بعد شهید صدر، بسیار، بسیار برجسته است که حتی برخی که منکر تقدم شهید صدر بر اقرائش هستند، منکر این بعد شهید صدر نیستند که او در بسیاری از مباحث، حتی مباحث کهن اصولی از یک بیان نو و ممتازی برخوردار است. روی این جهت، خدمت اعزه تأکید بلیغی دارم که کتاب حلقات شهید صدر را جدی بگیرید و حتماً آن کتاب را با استادی که به نیکی مبانی شهید صدر را دریافته است، تحصیل کنید و این نکته بس مهمی است. متأسفانه بعضی از اساتید حلقات به این جهت که با کتاب رسائل و کفایه مانوس بوده‌اند، چندان تسلطی به مباحث شهید صدر ندارند و به‌ناچار مجبور

می‌شوند اشتغال به تحصیل حلقات داشته باشند؛ بدون اینکه مقدمات لازم برای تدریس را فراهم بیاورند و همین باعث می‌شود که استفادهٔ چندانی طلاب عزیز از این کتاب‌های درسی نکنند. این مهم است مسئلهٔ استاد در حلقات و اینکه استاد معظم با مبانی شهید صدر آشنا باشد و خود این کتاب‌ها را به‌خوبی فراگرفته باشد و الا اگر بخواهیم با ذهنیت متأثر از اصول مشهور وارد فضای حلقات بشویم، در بسیاری از موارد کار به مشکل بر می‌خورد.

همین‌طور خوب است به دوستان تأکید کنم که حتماً حتماً از طریق استاد این کتب را بیاموزید. توصیه به خودآموزی نمی‌کنم؛ چون حلقات بیان روانی دارد، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که خیلی راحت می‌شود بدون استاد این کتاب‌ها را فراگرفت. نهایت، شرحی در کنار باشد که هرازگاهی به مشکلی خوردیم، شرح را نگاه کنیم. منتها این خودخوانی باعث شکل‌گیری جهل مرکب می‌شود و گمان می‌کنید که فهمیدید؛ حال آن که درست و دقیق نفهمیدید و همین، کار را در بحث‌های آتی مشکل می‌کند. کار را به‌شدت مشکل می‌کند. نتیجهٔ کار این است که حلقات خوانده‌اید؛ اما واقعاً از نعمت حلقات منتعم نشده‌اید. اتفاقی که متأسفانه زیاد می‌افتد.



بررسی کتاب رسائل



اما راجع به کتاب رسائل خوب است قدری خدمت اعزه توضیح بدهم.

مباحث کتاب رسائل

کتاب رسائل، مشتمل است بر نیمی از علم اصول و نیمی از علم اصول را کاملاً فاقد است. یعنی مباحثی که مشهور به ادله عقلیه است و در جلد دوم کفایه دیده می‌شود. از ابتدای مبحث قطع کفایه اگر نگاه کنید، مقارن می‌شود آخوند خراسانی با کتاب رسائل. مرحوم شیخ اعظم به هر علتی در بخش نخست علم اصول، دست به قلم نبرد. چیزی که مشهور در السنه است که او در جایی گفته بود که با وجود کتاب هدایه المسترشدين، تألیف مرحوم محقق اصفهانی، حاج شیخ محمدتقی اصفهانی دیگر احساس کردم نیازی به نگارش اثری در این حوزه از نو نیست.

هدایه المسترشدين، شرحی بر معالم مرحوم شیخ حسن عاملی، پسر شهید ثانی رحمه الله علیه است و بسیار کتاب ارزنده‌ای است که مؤلف، توفیق اتمامش را نیافت. فقط اختصاص به بخش نخست علم اصول دارد و وارد بخش دوم اصول نشده است. از این جهت شاید گفت حلقه مفقوده‌ای در کنار کتاب رسائل است.

البته خوشبختانه، شیخ اعظم بخش نخست علم اصول را تدریس کرده و شاگرد برجسته او، مرحوم کلاتر تهرانی، تقریر مباحث بخش نخست شیخ را در قالب کتابی با نام مطارح الانظار آورده است که اگر شما علاقه‌مند به دیدن آراء شیخ در بخش مباحث الفاظ هستید، باید به کتاب مطارح نظر کنید. در کفایه به این کتاب، تحت عنوان تقریرات اشاره شده است که مقصود همین تقریراتی است که کلاتر از مباحث شیخ اعظم تحت عنوان مطارح برداشته است.

روی این جهت، طلبه‌ای که رسائل می‌خواند، اگر خوب هم بخواند، تنها نیمی از علم اصول را فراگرفته است و نه همه علم اصول.

آراء جدید شیخ

علاوه بر این، کتاب رسائل، کتابی است که حاوی آراء بسیار، بسیار جدید و نوبی از شیخ اعظم است؛ از این جهت است که منبع بی‌بدیل برای محققان محسوب می‌شود؛ لیکن این آراء، به جهت تقدم زمانی شیخ انصاری، رحمه‌الله علیه، در کتاب کفایه و کتاب حلقات هم منعکس شده است.

منقح نبودن

در بعضی از مباحث کفایه مثل مباحث مکاسب، به نظر می‌آید شیخ به هنگام نگارش، در حال فکر کردن است. یعنی او فکر می‌کند و می‌نویسد به جهت رفت‌وآمدهای فراوانی که دارد. گاه مبحثی را تنقیح می‌کند، تقریر می‌کند، به انتها که می‌رسد مجدداً از نو بنیان نوینی را بر پا می‌کند و همه حرف‌های قبلی‌اش را پس می‌گیرد و از این جور آمد و شدها در کتاب رسائل و خصوصاً مکاسب، زیاد می‌بینیم که حکایت از ذهن جوال نویسنده دارد و شاید این تلقی را ایجاد کند که شیخ، به هنگام تفکر مشغول نگارش کتاب بوده است و این رفت‌وآمدهای او در ساحت فکر، به کتاب او هم راه پیدا کرده است.

شاید روی این جهت است که برخی از مترجمان، معتقدند که رسائل، کتاب منقحی نیست؛ [بلکه] چرک‌نویس مرحوم شیخ اعظم است. به یاد دارم مرحوم سید محسن امین، صاحب کتاب اعیان الشیعه، اگر اشتباه نکنم، ایشان این مطلب را داشت و در جایی ذیل ترجمه شیخ اعظم که کتاب فرائد الاصول، مسوده مرحوم شیخ بود. یعنی چرک‌نویس او بود. بنا داشت این کتاب را

پاک‌نویس بکند اما نشد، فدعی و اجاب. صدایش کردند که بیا و او هم رفت، یعنی عمرش به پایان رسید. چنین مطلبی را برخی مترجمان در مورد رسائل دارند که البته دور از واقعیت نیست.

مجتهد پروری

این رفت‌وآمدهای کتاب رسائل و مکاسب، مجتهد پرور هست، ذهن را جوال بار می‌آورد و من در مورد خودم تأثیری که از این رفت‌وآمدهای شیخ هست را بالعیان دیده‌ام و واقعاً خدا را شاکر هستم که با شیخ، رفتیم و آمدیم و آموختیم که هیچ نظریه‌ای، نظریه نهایی محسوب نمی‌شود و به گونه دیگری هم می‌شود آن را طرح کرد.

روی این جهت، فایده زیادی مترتب است و همین آموشدهای علمی شیخ در رسائل و مکاسب، این‌ها واقعاً مجتهد پرور هستند. هدف این نیست که به شما رأی خودشان را بدهند. حالا من مسلط به آراء فقهی و اصولی شیخ بشوم، سپس [چه]؟

مهم آن است که شما راه استدلال فقهی و اصولی را بیاموزید و خیلی وقت‌ها در این رفت‌وآمدها، این توان در فرد پدید می‌آید که بیاموزد چگونه می‌شود بنیانی بنا نهاد یا بنیانی که بنا نهاده شده است را تخریب کرد؛ لیکن مطلبی که هست این است که برای نوآموزان اصولی، قدری ثقیل می‌شود و گاه باعث تشویش می‌شود و گاه متأسفانه باعث دل‌زدگی می‌شود و این هم غیرقابل انکار است. خسته می‌شوند از این رفت و آمدهایی که گاه خیلی ثقیل و پیچیده است و فهم هر بخش و هر فرازش، محتاج دقت و تأمل است.

شخص با شیخ، ساعاتی را هم مسیر می‌شود تا به یک قله‌ای می‌رسد؛ ولی شیخ از همان قله، مجدد او را بر می‌گرداند. باز که به آخر و دامنه این قله رسیدند،

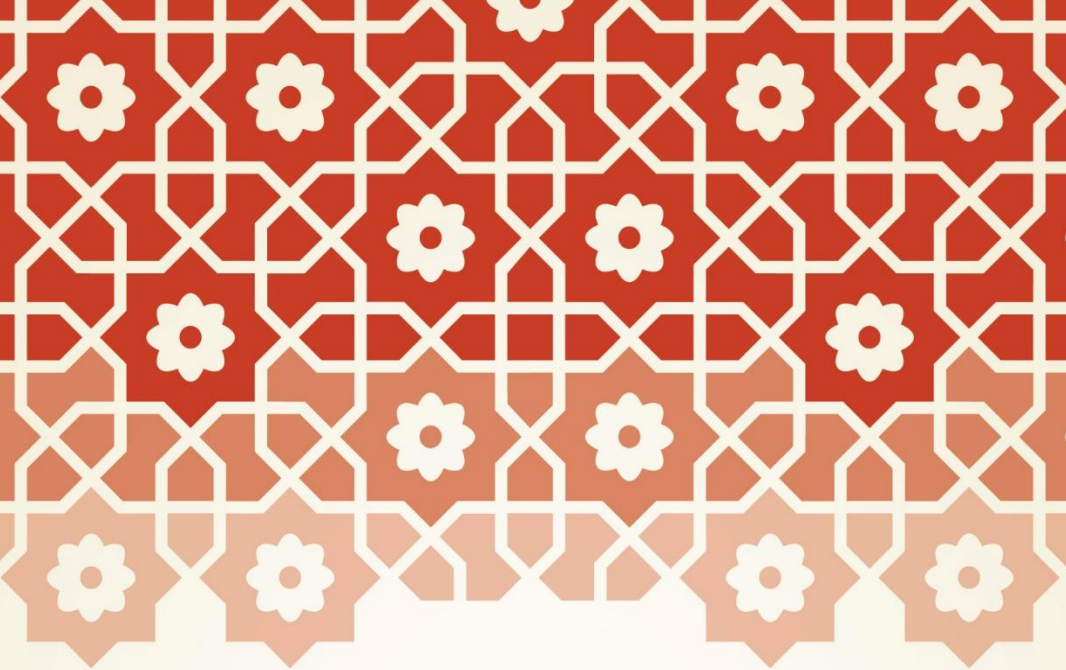
24 ✨ خطا برای اعمال Heading 1, h1: عنوان نشست به متنی که می خواهید در اینجا ظاهر شود، از زبانه صفحه اصلی استفاده کنید.

مجدد دست او را می گیرد و همان قله ای که بیشتر برده بود و برگردانده بود، می برد. این ها ممکن است برای طلاب ما که تحت تأثیر کتب درسی کلیشه ای دبیرستان ها هستند و همه چیز را بسان وحی مطلق در این کتب دیده اند؛ قدری خسته کننده به نظر بیاید. این را منکر نیستیم.

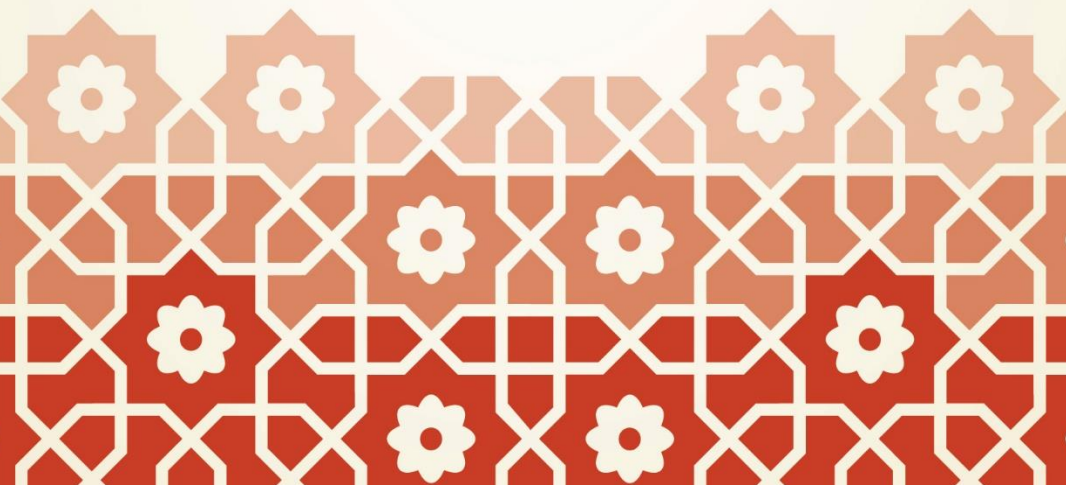
در مجموع، توصیه می کنیم هر دو کتاب را اگر توانستید، بخوانید. هم کتاب حلقات شهید صدر و هم رسائل شیخ اعظم، لیکن اگر امر دائر شد بین انتخاب یکی از این دو، کتاب حلقات را پیشنهاد می کنیم. فایده بیشتری بر آن مترتب است تا کتاب فرائد الاصول، شاید اگر مثلاً قسمت هایی از رسائل را خواندید که می گویند المعسور لا یثبت المیسور، خالی از فایده نیست. لا اقل با سبک و سیاق عبارات شیخ آشنا بشوید. با فضای رسائل، قدری انس بگیرید که بعدها در تحقیقات علمی خودتان، بتوانید از کتاب رسائل، رفرنس بدهید.

تأسیس ۱۴۰۸ ه.ق

مدرسه علمیه عالی نواب



بررسی کتاب کفایه



قدری هم راجع به کتاب کفایه مطالبی را عرض بکنم و مستمع سؤالات دوستان باشم.

انسجام

کتاب کفایه الاصول، کتاب بسیار منظم و منسجمی است. استاد در تدریس کتاب کفایه، دغدغه گم شدن طلبه را ندارد؛ چون همه چیز تقریباً منظم و منسجم است. باب‌ها روشن و شفاف از هم تفکیک شدند و در هر بابی، مقدمات به شماره منظم شدند. مشخص است در مقدمات بحث هستیم یا در بدنه بحث هستیم یا در تزیین و تزییلی هستیم که می‌شود در امتداد بحث مطرح کرد. همه چیز عنوان خورده و شفاف از هم منفک هستند؛ درحالی که استاد در کتاب رسائل، یکی از دغدغه‌های جدی‌اش گم شدن طلبه در رفت‌وآمدهای پردامنه مرحوم شیخ [است]. خیلی از طلاب اصل بحث را هم گم می‌کنند. اینکه در کجای علم اصول قرار گرفته‌اند را هم گاه نمی‌توانند دریابند. واقعیتی است که وجود دارد.

پیچیدگی عبارات

عبارات در کفایه بسیار پیچیده است. گاه مغلوط است از حیث ادبی. یعنی مصنف به جهت ضعفی که در ادبیات عرب داشته است، چون عجم بوده، غلط به کار برده و شاید هم تا حدی عامدانه بعضی از جاها به اشتباه قلم او چرخیده و مطلب را القا کرده است و این باعث شده است که کار تدریس کفایه و تحصیل آن سخت باشد و از عهده هر کسی بر نیاید. ما عزیزانی داریم که در کفایه مانده‌اند و دیگر ادامه تحصیل ندادند. اساتیدی هم داریم که از عهده هر کتابی بر بیایند، از عهده کفایه برنخواهند آمد.

کتابی است مملو از ضمیر، گاه به شوخی می‌گوییم کتاب الضمائر، یعنی کتابی که عامدانه مصنف ضمیرها را جایگزین اسماء ظاهر کرده و گاه در یک جمله، 4 الی 5 ضمیر دیده می‌شود که هر کدام مرجع خاص خودش را دارد و باید بنشینید و یکی یکی، آن‌ها را پیدا کنید. کتابی است معماگونه، البته در کنار این ضمائر، پر است از عطف‌های تفسیری. عطف تفسیری هم در کتاب کفایه بسیار دیده می‌شود. این هم حائز اهمیت است و البته به جای اینکه بیشتر تفصیل و توضیح بکند، خیلی وقت‌ها طلبه را گم می‌کند؛ چون فکر می‌کند مطلب جدیدی است درحالی‌که این، توضیح و تفصیل مطلب قبلی است و حرف جدیدی را در بر ندارد.

اهمیت تاریخی و موقعیت استثنایی

با همه این اوصاف من تأکید می‌کنم که حتماً کفایه را بخوانید، حتماً. کتاب کفایه یک اهمیت تاریخی پیدا کرده است. یعنی این کتاب، محور تدریس بوده است و تألیف از بدو نگارش و حتی در دوران حیات مؤلف، توفیقی که حلقات نیافت. حلقات، کم‌کم دارد جا می‌افتد. حدود چهل سال از حیات مصنف گذشت، از وفات مصنف گذشت تا این کتاب کم‌کم در میان بزرگان حوزوی مورد اعتنا قرار گرفت و محور تدریس شد. علت هم بر می‌گشت به معاصرت شهید صدر و جوانی او در قیاس با اساطین حوزه. اگر او الان، بعد از چهل و اندی سال، هنوز هم زنده بود، سن او از بعضی از مراجع معاصر کمتر بود. گفته می‌شود متولد 1313 شمسی است. متوفی سال 1359 است. چند سال می‌شود؟ 46 سال عمر شریفشان بیشتر نبوده است. هم سن من تقریباً [بودند]. عمر پرپرکت و فائدت [داشتند].

28 ✨ خطا برای اعمال Heading 1, h1: عنوان نشست به متنی که می خواهید در اینجا ظاهر شود، از زبانه صفحه اصلی استفاده کنید.

کتاب کفایه به این جهت که توسط یکی از اساتید معمر و برجسته نجف تألیف شد، از همان بدو انتشار یک موقعیت استثنایی در ساحت تدریس، تألیف و تحقیق پیدا کرد. به همین جهت یک کریدور تاریخی برای علم اصول محسوب می شود. یعنی شما می توانی از طریق کفایه به اصول معاصر راه پیدا کنی. کتاب های اصولی معاصر، جملگی تحت تأثیر کفایه هستند یا اساساً تعلیقۀ بر کفایه هستند یا تقریر مباحث خارجی هستند که محور تدریشان کفایه بوده است یا اینکه لااقل از کتاب کفایه، در استدالات و اصطلاحات متأثر هستند؛ چون نویسنده کتاب، کفایه خوانده است و عمری کفایه گفته است.

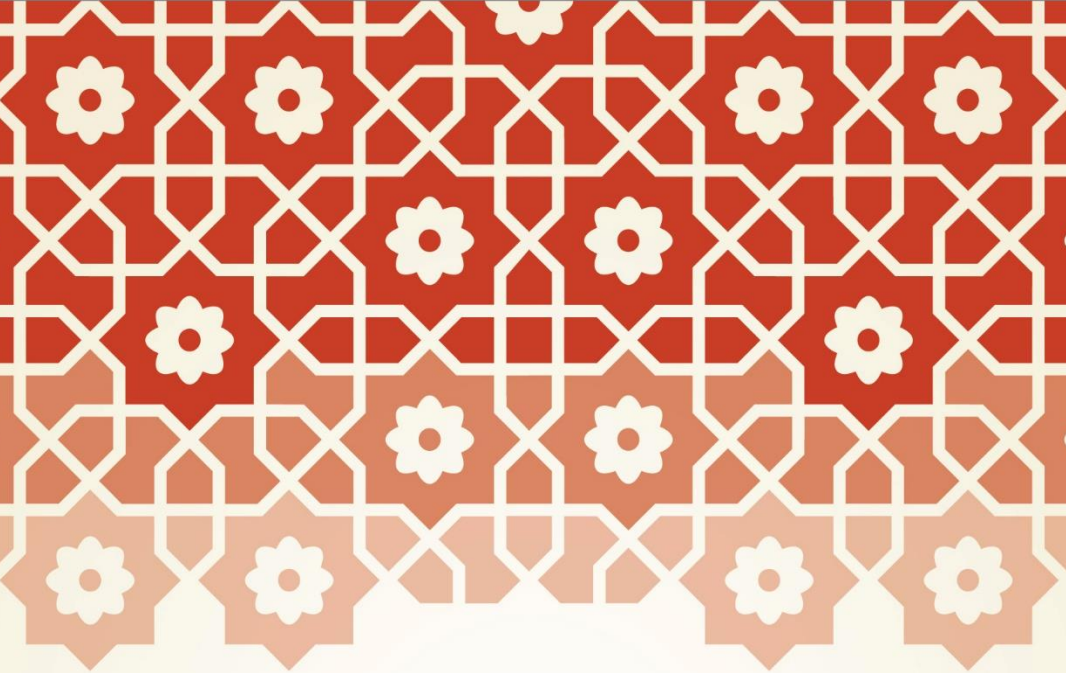
به همین جهت ما تعبیر می کنیم از کفایه به کلید اصول معاصر و توصیه می کنیم کفایه را به ویژه بابت این موقعیت تاریخی خاصی که پیدا کرده است، با دقت تحصیل کنید. البته در کتاب کفایه مطالب علمی عمیقی است که درخور انکار نیست و آن ها هم می تواند به صید کسی درآید که این کتاب را به دقت تحصیل می کند و از این حیث هم بهره مند باشد. منتها با همه این اوصاف، بخش زیادی از وقت استاد و شاگرد در حل عبارات کفایه ضایع می شود و از این جهت، قدری درخور تأسف است.

دست آخر فقط یک تذکر خدمت اعزه بدهم و بعد هم اگر سؤالی هست، پاسخ بدهیم. دوستان من، هرگز به کتاب حلقات در مرحله سطح، اکتفا نکنند. درست است که محتوای عمیقی از علم اصول را به دست می دهد؛ اما ارتباط شما با کتب اصولی کهن، منقطع می شود که از ادبیات نسبتاً پیچیده ای برخوردار هستند. قلم روان شهید صدر، قدری ذهن را تنبل می کند و ما دیدیم طالبی که فقط اکتفا به حلقات کردند، ارتباطشان با میراث اصولی شیعی تا حدی منقطع است و امکان مراجعه مستقیم به بسیاری از کتب اصولی قدیم را ندارند؛ به این

جهت که از عهده عبارات بر نمی آیند. به آسان خوانی عادت کرده اند. عادت کرده اند به مطالعه کتبی که از قلم روان برخوردار است و از همین جهت ارتباطشان با میراث کهن اصولی شیعی که بسیار ارزشمند و قابل استفاده است، منقطع شده است.

روی این جهت، بر حسب تجربه تأکید دارم خدمت اعزه که در دوره سطح به کتاب حلقات اکتفا نکنند. وقت ما روبه پایان است. دقایقی هست که اگر دوستان سؤالی داشته باشند، پاسخ می دهیم.





سؤالات



امکان حصول فایده در مکاسب

سؤال: بسم الله الرحمن الرحيم. از مباحث خوبتان تشکر می‌کنیم. یک سؤالی که ذهنم را درگیر کرده است این است که فرمودید که رسائل خوانده بشود، به‌خاطر این آمد و شدها و رفت‌وآمدها، این در کتاب مکاسب حاصل نمی‌شود؟

پاسخ: چرا. خیلی نمی‌گویم که تأکید بر کتاب رسائل دارم؛ چون به قول شما تا حدی این رفت‌وآمدهای شیخ در مکاسب هست و بلکه پررنگ‌تر از کتاب رسائل [هست]. بعد هم مفاد رسائل در غالب موارد در کفایه هم منعکس شده و در حلقات هم آمده است و بیشتر کتاب تحقیقی است و نه آموزشی و حتی کتاب تألیفی منقحی هم نیست؛ فارغ از اینکه آموزشی باشد یا نباشد، یک کتاب منقح هم به‌حساب نمی‌آید که طلبه و محقق را به شکل روشن و بدون دردسر به آراء مؤلف ببرد.

روی این جهت از بین این سه کتاب، کمترین تأکید را در مورد رسائل دارم؛ اما خواندن هر کتابی خالی از فایده نیست.

کفایت حلقات برای درس خارج

سؤال: سؤال دیگر اینکه شهید با همین ویژگی‌هایی که گفتیم، نبوغش و تمام این مباحث و خلأهایی که دیده بودند، این حلقات را نوشتند و گفتند که این حلقات را بخوانید و به درس خارج بروید. یعنی هدفشان این بوده است؛ ولی شما الان این‌طور که فرمودید، گفتید که کفایه خوانده بشود...

پاسخ: من این دیدگاه آقای صدر را که فقط اکتفا به کتاب حلقات بشود را قبول ندارم. به تجربه یافتم که این خلل می‌زند. قطعاً آقای صدر توفیق نیافت

32 ✨ خطا برای اعمال Heading 1, h1: عنوان نشست به متنی که می خواهید در اینجا ظاهر شود، از زبانه صفحه اصلی استفاده کنید.

که مرحلهٔ پس از تألیف حلقات را ببیند؛ چون عمر او قد نداد. حلقهٔ ثالثه آخرین تألیف اوست و او دیگر بعد از این هیچ مطلبی در علم اصول ننوشت و شاید حتی تدریسی هم چندان در علم اصول نداشت، چون دیگر به حصر ایشان در منزل و بعد هم شهادت ایشان منتهی شد. منتها مسئله‌ای که من بر آن تأکید دارم این است که ما در طی این سال‌ها که در خدمت طلاب عزیز بودیم و دیده‌ایم که این‌ها حلقات خواندند، به‌وضوح مشکل را یافتیم که در مراجعات خود به کتب دیگر به مشکل می‌خورند، این یک، و ثانیاً اینکه اقبال بلندی که کفایه میان معاصران و متأخران خود یافت، به‌هیچ‌عنوان حلقات نیافت. شما به‌هیچ‌وجه، نمی‌توانید حاشیهٔ اجتهادی دقیقی را بر حلقهٔ ثالثه پیدا کنید. من نیافتم، شما پیدا کنید و حال اینکه انبوهی از حواشی تحقیقی و اجتهادی هست که به کفایه زده شده است و شما ارتباطتان را با این حواشی و این تعلیقات از دست می‌دهید. حاشیهٔ منتهی الدرایه، حاشیهٔ نه‌ایه‌النه‌ایه، نه‌ایه‌الدرایه، این‌ها تعلیقات بر کفایه هستند که مشتمل بر حواشی اجتهادی کاملاً عمیق و قابل‌توجه هستند.

لذا اگر بناء بر اجتهاد دارید، باید حوصله به خرج دهید. کفایه را توصیه می‌کنم من البدو الی الختم بخوانید و البته اگر امر دائر بشود بین خواندن یکی از این سه کتاب، طبیعتاً می‌گوییم حلقات را بخوانید.

معرفی کتاب پیشنهادی دیگر

سؤال: برای کسی که به هر دلیلی، مثلاً قرار است که با تأخیر درس خارج برود، بعد از کتاب حلقهٔ ثالثه و کفایه، چه کتابی را پیشنهاد می‌کنید که بخواند؟ نه اینکه تمهیدی برای درس خارج باشد، کلاً برای علم اصول می‌خواهد محقق بشود.

پاسخ: یکی از کتاب‌های بسیار ارزنده و خوب، کتاب اصول فقه مرحوم آیت‌الله مظفر است. کتاب خوبی است انصافاً. حاوی مطالب دقیق، عمیق و خود شهید صدر هم فکر می‌کنم قاعدتاً این کتاب را تحصیل کردند؛ چون او شاگرد مجموعه‌ای بود که در رأسش مرحوم مظفر بود و در حقیقت از خروجی‌های مظفر محسوب می‌شود. به همین جهت، قاعدتاً خود او هم این کتاب را تحصیل کرده است. لااقل در حلقات، از این کتاب، شهید صدر اسم می‌برد، در مقدمه حلقات و مدعی است که کتاب من ناظر به کتاب اصول فقه مرحوم مظفر بود و در مقام رفع نقایص آن [بوده است].

بالین وجود، کتاب اصول فقه مظفر، کتابی قابل استفاده حتی برای حلقات خوان‌هاست.

سؤال: غیر از کتاب اصول فقه [چه؟]

پاسخ: من غیر از کتاب اصول فقه مظفر، کتاب اصولی قابل اعتنای دیگری به ذهنم نمی‌رسد. البته هست، کتاب قوانین میرزای قمی، معالم الاصول مرحوم عاملی، کتاب‌های دیگر هم می‌شود اسم برد؛ اما به نظر من بین این کتاب‌ها، دست به انتخاب بزنید. یا خیلی قدیمی هستند و محتوایشان منسوخ شده است یا اینکه...

عدم لزوم مطالعه سه حلقه

سؤال: ما هم از مطالب ارزشمندتان تشکر می‌کنیم. یک سؤال اینکه وقتی می‌گویند که شهید صدر هم متعرض این نکته شدند که این سه حلقه باید با هم خوانده بشود یا ترتب بر هم دارد؛ اگر کسی به هر دلیلی حلقه اولی و ثانیه را در مقدمات نخوانده باشد و خواسته باشد صرفاً حلقه ثالثه را بخواند، آن غرضی که از مطالعه حلقات به دنبالش هستیم، حاصل می‌شود؟

34 ✨ خطا برای اعمال Heading 1, h1: عنوان نشست به متنی که می خواهید در اینجا ظاهر شود، از زبانه صفحه اصلی استفاده کنید.

پاسخ: بله. ما داشتیم طلبه‌هایی که حتی از جلد دوم حلقهٔ ثالثه به ما ملحق شدند. یعنی حلقهٔ ثالثه را هم از ابتدا نبودند، جلد دوم حلقهٔ ثالثه و انصافاً هم خودشان مدعی بودند و هم ما احساس کردیم که بهره‌مند از مباحث شدند. این مقدار به استاد هم برمی‌گردد که متوجه باشد که ایشان حلقهٔ اولی و ثانیه را نخوانده است. اگر استاد متوجه این نکته باشد، این نقیصه برطرف می‌شود. چون هر کدام از سه حلقه، مطالب حلقهٔ قبلی را دارند و چیزی اضافه‌تر، هرچند مطالبی هست که در بعضی هست و در دیگری منعکس نشده؛ اما خیلی کم است. در حلقهٔ ثانی، هر چه که در حلقهٔ اولی هست، انعکاس یافته است و در حلقهٔ ثالثه، هرچه در حلقهٔ ثانیه هست. به همین جهت مشکل‌ساز نیست، مگر اینکه استاد خیلی به اتکای حلقات قبلی درس بدهد. یعنی بناء را بر این بگذارد که شما بلدید.

من خودم در درس‌هایی که داشتم، بنائم بر این بود که انگار شما همین امروز سر کلاس آمدی. سعی می‌کردم مباحث را جوری تقریر کنم که برای همگان قابل فهم باشد، حالا ممکن است اساتید، بعضی‌ها به جهت مصالحی جور دیگری مشی کنند.

سؤال: نکته‌ای که داشتم این بود که باتوجه به اینکه دوستان اشاره کردند که قصد شهید این بوده است که این سه کتب تا درس خارج باشد و شما گفتید که به معنای صد درصد محقق نشده است؛ این کفایه که فرمودید باید خوانده بشود، به معنای این است که ضرورت دارد کسی برود، یا حالت فضیلت است.

پاسخ: یکی از چیزهایی که ما توصیه داریم این است که شما مشخص کنید که می‌خواهید چه کاره بشوید؟ قرار است یک خطیب توانمند بشوید، قرار است یک مورخ بشوید با اطلاعات اصولی حلقات کافی است. قرار است مفسر

در حد عوام مردم باشید، کافی است. چیزی که اینجا مهم است، این است که اگر شما قصد اجتهاد دارید، من به نحو اکید توصیه می‌کنم که کفایه را بخوانید. مهم خواندنش است و سطح و خارج به عهده خودتان است. معمولاً شما از سطح که رفتید، دیگر نمی‌خوانید.

سؤال: منظورم این است که اگر شخص به درس خارج برود، اگر نخوانده باشد، نکات را متوجه می‌شود و بعد بخواهد در کنار درس خارج بخواند؟
پاسخ: آراء شهید صدر، تا الان خیلی مورد اقبال نبوده است.

سؤال: چون یک نقل‌قولی هست که می‌گویند کسی حلقات را خوانده باشد، می‌تواند درس من بنشیند.

پاسخ: این‌ها هیچ‌کدام، اساتید حلقات نبودند و هیچ‌کدام تدریس حلقات نکردند و شاید به خودشان نگاه کردند و تدریس خودشان را معیار و مقیاس کردند. من به تجربه عرض می‌کنم که تبلی را کنار بگذارید و کفایه را حتماً بخوانید.

تسلط بر مبانی شهید

سؤال: یکی از نکاتی که شما و بقیه اساتید می‌فرمودید این است که کسی که حلقه را درس می‌دهد، باید به مبانی شهید صدر مسلط باشد. اینجا اشکال پیش می‌آید: یکی اینکه اکثر اساتیدی که حلقات درس می‌دهند، درس خارج رفتند و خیلی‌هایشان بحوث را دیدند و روی بحوث هم کار کردند. لازمه‌اش این است که آن کسی که بحوث را می‌خواند و درس خارج رفته و حلقات خوانده است، مسلط به مباحث شهید صدر نباشد و لازمه دیگرش هم این است که کسی حلقات نخوانده و درس خارج خوانده و تازه می‌خواهد با تقریرات درس خارج شهید صدر، درس خارج حاضر بشود، این هم از مبانی شهید صدر آشنا

36 ✨ خطا برای اعمال Heading 1, h1: عنوان نشست به متنی که می خواهید در اینجا ظاهر شود، از زبانه صفحه اصلی استفاده کنید.

نیست و خیلی نمی فهمد. می خواهم بگویم لازمه اش این است که چطور این مطلب با هم جور در می آید؟

پاسخ: من سؤال شما را نفهمیدم.

سؤال: سؤال من این است که شما می گوید باید مسلط به مبانی شهید صدر باشد، استادی که حلقات درس می دهد. می خواهم بگویم مگر این تسلط در کتاب بحوث و تقریرات درس خارج، حاصل نمی شود؟

پاسخ: اولاً که این طور نیست که اکثر حلقات گوها [مسلط باشند]. این حسن ظن شماست. اکثر حلقات گوها که عملاً من در حوزه های علمیه دیدم، این ها حتی لای کتاب بحوث را هم باز کردم.

سؤال: چون من از یکی از اساتید حلقات گو شنیدم که بهترین شرح حلقات، کتاب بحوث است.

پاسخ: او استاد خاصی بوده که این طور فرمودند.

سؤال: حالا اگر که درس خارج خوانده باشند و شهید صدر خوانده باشند، چطور؟

پاسخ: من نگفتم از چه طریقی، مهم این است که مسلط بر مبانی شهید صدر باشد. این مهم است. اگر شما بگویید که همه همین طور هستند که الحمدلله.

سؤال: به حقیر فرمودند که کفایه اصلاً نخوانید و با حلقات خارج بیایید، مگر بایی از کفایه که فقط با عبارات ایشان آشنا شوید. این ها که به مبانی شهید صدر مسلط هستند، در عین حال چنین توصیه ای را دارند می کنند.

پاسخ: اینکه کسی مسلط به مبانی آقای صدر باشد و چنین توصیه‌ای بکند، کافی نیست. اطلاع از مبانی آقای صدر، باید تدریس حلقات لازم است. این توصیه‌ای که من کردم، توصیه بر اساس تجربه و واقعیت‌های تاریخ است. قرار نیست که مقلد آقای صدر در بیاید. خود حقیر در دور دوم خارج اصول که در خدمت اعزه هستم، هرچند دور اول هم تا حد زیادی به همین شکل مشی کردم، بسیاری از آراء شهید صدر را نقد کردم. یعنی الان که خدمت شما هستم، معتقد هستم که بسیاری از آراء اصولی ایشان، جای نقد جدی دارد. حرف آخر در علم اصول نیست. تنها، او معلم خوبی است و رأی نهایی دست او نیست و می‌شود از او هم فراتر رفت.

دوستانی که در بین بحث‌های ما باشند، درعین حال که می‌بینند بنده تا حدی متأثر از شهید صدر هستم، اما خواهند دید که در بسیاری از مباحث از منتقدان جدی شهید صدر هستم. قرار نیست شما شخصی در چهارچوب فکری شهید صدر تربیت بشوید که فقط حلقات بخوانید و بعد هم پای درس‌های خارجی حضور پیدا کنید که حلقات گوها و اساتید بحوث و مباحث خوانده بخوانند القا کنند. قرار است شما کسی وراى شهید صدر بشوید. قرار است شما مجتهد و صاحب‌رأى بشوید، نه مقلد شهید صدر در علم اصول. روی همین جهت می‌گویم که حتماً کفایه را بخوانید و چک‌وچانه هم نکنید.

مطالعهٔ ضمنی بحوث

سؤال: یک سؤال اینکه نسبت به کسی که حلقهٔ ثالثه می‌خواند، قبلش هم حلقهٔ اولی و حلقهٔ ثانیه، اصول فقه مظفر هم خوانده است، حلقهٔ ثالثه را قرار است بخواند و بعد هم کفایه. کنار حلقهٔ ثالثه، کتاب مباحث یا کتاب بحوث، پیشنهاد می‌شود؟

38 ✨ **خطا برای اعمال Heading 1, h1: عنوان نشست به متنی که می خواهید در اینجا ظاهر شود، از زبانه صفحه اصلی استفاده کنید.**

پاسخ: نه، توصیه نمی‌کنم بحوث و مباحث را مگر هرازگاهی برای کنجکاوی یا کسب معلومات بیشتر، اگر حالی داشتید، وگرنه خسته می‌شوید. آقای صدر اصلاً هدفش این بوده که هر حلقه از حیث حجم با سطح مخاطب متناسب باشد. قرار باشد که در کنار آن‌ها، بحث‌های بحوث و مباحث را ببینید، آن هدف آقای صدر نقض می‌شود. همان میزان مطلبی که در حلقات مطرح شده است، کافی است.

کیفیت مطالعهٔ رسائل

سؤال: برای اینکه رسائل بخوانیم، به چه کیفیتی بخوانیم؟ بعد حلقه یا در کنار حلقه، به نحو درس‌گرفتنی و خط به خطی یا با شاکله و با مبانی شیخ انصاری صرفاً آشنائیتی باشد. مثلاً صوت‌هایی هم از این جهت از شما دیده بودم که یک‌روال کلی و مبانی را گفته بودید.

پاسخ: یک دورهٔ فشرده‌ای از رسائل بوده است که منتشر شده است. البته قسمتی از رسائل است و کامل نیست. ببینید در کنار خواندن مانعی ندارد، به شرط اینکه آن شرط تسلط استاد بر مبانی وجود داشته باشد. اگر استاد در تدریس خود، متکی به مبانی آقای صدر باشد، ما نگرانی نداریم که شما بخواهید اصول دیگری را هم کنارش ببینید.

من خودم تا حدی در کنار رسائل، حلقات را خواندم و به مشکل خاصی بر نخوردم.

سؤال: به چه سبکی بخوانیم؟

پاسخ: اگر رسائل می‌خواهید بخوانید، به نظرم می‌آید قسمت‌هایی از کتاب رسائل مثل ادلهٔ مجوزات، مباحث اولی‌اش یک خورده سنگین و ثقیل است، بحث‌های ظنّش، یک‌وقت‌هایی خیلی به حاشیه‌زده است، ادلهٔ مجوزه بد نیست.

مثل مباحثی که ایشان پیرامون استصحاب دارد، قسمت‌هایی‌اش را ببینید بد نیست یا مباحث ایشان در باب تعادل و تراجیح دارد، این مباحث در رسائل انصافاً برجسته است. مباحثی از این دست را نگاه بکنید و به شکل گلچین شده، یک قسمت را با متن رسائل آشنا باشید و تا حدی مأنوس با عبارت‌های شیخ بشوید.

سؤال: با نگاه محققانه نه، درس بگیریم؟

پاسخ: اگر درس بگیرید خیلی بهتر است تا اینکه خودتان [بخوانید]. ان‌شاءالله موفق باشید. والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته.



